

درس گرفتن از این شکست‌ها و ایستادگی در برابر این انتقاد، موفقیت بلندمدت شما را تضمین می‌کند. قدیمی‌ها گفته‌اند: «وقتی دو خطر یکی از پشت‌سر و دیگری از روبه‌رو شما را تهدید می‌کند، همیشه بهتر است به‌جلو بروید.»

روش به‌کارگیری این اصل:

فرض کنید می‌توانستید با تکان دادن یک چوب جادویی به هدف مورد نظرتان برسید، اگر هیچ ترسی از شکست نداشتید، چه هدف‌هایی را انتخاب می‌کردید؟ این ترس، هرچه هست، از امروز تصمیم بگیرید با آن روبه‌رو و بر آن مسلط شوید. طوری عمل کنید که گویی شکست، محال است.



۳ اصل واقعیت‌گرایی

توانایی و تمایل شما به واقع‌گرا بودن در زندگی و کار، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مدیریت است. سعی کنید حقایق را بفهمید، زیرا آن‌ها هرگز به شما دروغ نمی‌گویند. هرچه حقایق بیشتری بدانید، درک بهتری از واقعیت خواهید داشت. اگر از وضعیت موجود ناراضی هستید، درباره‌ی وضع دلخواه‌تان فکر کنید و برای ایجاد واقعیت موردنظر، برنامه‌ریزی و اقدام کنید و به آینده فکر کنید نه به گذشته؛ توجه‌تان را به راه‌حل معطوف کنید نه به مشکل؛ به این فکر کنید که به کجا می‌خواهید بروید نه این‌که از کجا آمده‌اید. دنیا را همان‌گونه که هست، ببینید نه آن‌طور که آرزو دارید.

اصول



مدیریت برتر

مدیریت برتر، مهم‌ترین عامل تعیین موفقیت یا شکست است و نقاط ضعف و قوت سازمان‌ها را تعیین می‌کند. شرط موفقیت در همهی فعالیت‌های گروهی، حرکت رو به‌جلوی مدیر و هدایت مناسب اوست. بیش از ۲۵۰۰ سال است که کیفیت مدیریت برتر و ویژگی‌های شخص مدیر، مورد توجه بوده است. وقتی مانند مدیر برتر فکر و عمل کنید و از این اصل‌ها، در زندگی و کارتان استفاده کنید، فرصت‌هایی را به‌سمت خودتان جذب می‌کنید که می‌توانید از استعدادها و توانایی‌های‌تان در سطح‌های بالاتر استفاده کنید. هرچه اصول مدیریت برتر را در مسأله‌های کوچک، بیشتر به‌کار بگیرید، امکان این‌که در مسائل بزرگ‌تر به‌عنوان مدیر انتخاب شوید، بیشتر می‌شود. هرچه مسؤولیت‌های امروزتان را بهتر انجام دهید، مسؤولیت‌هایی که در آینده به شما واگذار خواهد شد، بزرگ‌تر خواهد بود. همهی این‌ها بستگی به خودتان دارد.

۱ اصل صداقت

صداقت، محور مدیریت برتر است و در قلب مدیر جادارد. تمام اعمال شما مربوط به شخصیتی است که درون شماست. صفت‌های این موجود درونی، همیشه به‌وسیله‌ی رفتار و گفتار شما آشکار می‌شود. شاید مهم‌ترین کار شما به‌عنوان مدیر برتر، این است که برای دیگران سرمشق باشید. همیشه طوری رفتار کنید که گویا دیگران شما را می‌بینند، حتی وقتی تنها هستید.

روش به‌کارگیری این اصل:

تصمیم بگیرید با خودتان و با همه، در هر شرایطی صادق باشید. به ندای درونی‌تان اعتماد کنید و به آن گوش دهید. مشکل‌ها و تنش‌های زندگی‌تان را شناسایی کنید تا مشکل حل شود و یا تنش موجود، کمتر شود.

۲ اصل شهامت

مدیران برجسته، در تصمیم‌گیری‌ها، با شهامت هستند. با وجود خطر شکست، با اطمینان قدم به جلو می‌گذارند و اقدام می‌کنند. رهبری، نترسیدن نیست، بلکه کنترل و تسلط بر ترس است. دو مانع بزرگ در راه موفقیت و کارآیی افراد، ترس از شکست و ترس از انتقاد است، ولی همیشه پیش از پیروزی، شکست‌ها و انتقادهای زیادی وجود دارد.



صد راز شاد زیستن

خود را بی هیچ قید و شرطی بپذیرید

شما را با حساب بانکی تان، محله‌ای که در آن زندگی می‌کنید یا نوع کاری که انجام می‌دهید، نمی‌توان سنجید. شما به‌طور دقیق مانند همه‌ی افراد دیگر، ترکیب پیچیده‌ای از توانایی‌ها و محدودیت‌های غیرقابل تصور هستید.

عده‌ی بسیاری از مردم به‌جای این‌که روی مسأله‌ای که فکر می‌کنند باعث مشکل شده، انگشت بگذارند و به حل و فصل آن پردازند، رویکردهای متفاوتی را اتخاذ می‌کنند. آنان مصمم هستند که خود را بپذیرند و برای رسیدن به این هدف، با وجود نکته‌های مثبت و منفی در حال پذیرفتند که انسان‌های کامل و خوبی هستند. «کاتلین»، عضو گروهی است که «نظریه‌ی پذیرش» را اشاعه دادند. او سابق بر این، حس می‌کرده که در دامی است و نمی‌تواند از آن بگریزد. سعی می‌کند خود را اصلاح کند و تغییر دهد. عدم توفیق در این تغییر، بدتر از خود مشکل اولیه است. احساس دیوانه‌ای را داشت که به‌علت فشارهای ناشی از تغییر و سنگینی بار شکست، به این وضع درآمده بود.

حالا «کاتلین» توصیه می‌کند که خود را بپذیرید و این به آن معنا نیست که از اشتباه‌تان چشم‌پوشی کنید یا هرگز برای اصلاح آن تلاش نکنید. آنچه از معنای آن، برداشت می‌شود این است که: چه برای اولین بار، چه برای آخرین بار و چه برای همیشه، ارزش‌های خود را باور داشته باشید.

در مطالعه‌هایی که در زمینه‌ی عزت‌نفس بر روی بزرگسالان انجام شده، محققان دریافتند افرادی که از خود رضایت دارند، شکست را می‌پذیرند و دلیل قانع‌کننده‌ای برای آن می‌یابند و معتقدند که این شکست‌ها، حاکی از عدم توانایی‌هایشان نمی‌باشد. افراد مغموم، شکست‌های خود را بزرگ جلوه می‌دهند و گناه آن را به گردن می‌گیرند و از آن برای پیش‌گویی پیامد وقایع زندگی آینده استفاده می‌کنند.

منبع: «صد راز شاد زیستن» نویسنده: «دکتر دیوید نیون» مترجم: «بهاره پارباب»



روش به‌کارگیری این اصل:

نقاط‌ضعف عمده‌ی خود را در زمینه‌های شخصیتی یا مهارتی، شناسایی کنید و برای تقویت آن‌ها برنامه‌ریزی کنید.

۴) اصل قدرت

قدرت؛ یعنی توانایی تأثیر بر تخصص نیروی انسانی، مالی و سایر منابع. قدرت، نه خوب است و نه بد؛ فقط وجود دارد. میزان قدرت هر سازمانی یا سیستمی ثابت است. اگر فردی قدرت بیشتری داشته باشد، بدون شک، قدرت فرد دیگری کم شده است. همه‌ی جنگ‌های قدرت، به‌خاطر گرفتن سهم بیشتری از این مقدار ثابت است.

چهارنوع قدرت قابل کسب وجود دارد:

۱) **قدرت تخصصی:** در میان مردم، شخصی وظیفه‌شناس و توانا شناخته می‌شود.

۲) **قدرت فردی:** از احترام و علائق دیگران ناشی می‌شود. هرچه مردم، شما را بیشتر دوست داشته باشند، نفوذتان بر آنان بیشتر است.

۳) **قدرت مقام:** شامل قدرت استخدام، اخراج و مجازات می‌باشد.

۴) **قدرت اعطایی:** چهارمین و بهترین نوع قدرت است که مردم به میل خود به‌خاطر شخصیت‌تان، قدرت اختیار و نفوذ بر خودشان را به شما واگذار می‌کنند.

۵) اصل پیش‌بینی

شما باید به آینده، زیاد فکر کنید، زیرا بقیه‌ی زندگی‌تان را در آن خواهید گذراند. توانایی شما در پیش‌بینی دقیق آینده، عامل مهم موفقیت یا شکست شما خواهد بود و عدم پیش‌بینی، موفقیت‌های بالقوه‌ی شما را به فاجعه تبدیل می‌کند و باید آن را جدی بگیرید و برای جلوگیری از آن، برنامه‌ریزی کنید.

روش به‌کارگیری این اصل:

به آینده نگاه کنید و بهترین فرصت‌هایی را که ممکن است طی چندسال آینده، برای‌تان پیش بیاید، مجسم کنید. برای بهره‌مند شدن از آن‌ها در آینده، امروز چگونه خود را آماده می‌کنید؟

نتیجه‌گیری:

هیچ‌کس مدیر برتر به‌دنیا نمی‌آید. مدیران برجسته، به‌طور معمول در نتیجه‌ی کار سخت و طولانی‌مدت بر روی خودشان شناخته می‌شوند. همه‌ی افراد دارای صفت‌های رهبری هستند. فقط باید این صفت‌ها را پرورش داد. وقتی مسؤولیت‌های‌تان را بدون بهانه‌تراشی، سرزنش، اتکا به دیگران و یا پنهان‌شدن در پشت آنان قبول کنید، یک مدیر برتر می‌شوید و همه‌ی درها به روی‌تان باز می‌شود.

منبع: «۴۵ اصل زندگی و مدیریت برتر» «برایان تریسی»



دکتر پری‌ناز بنی‌سی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی